

اخلاق ناصری به روایت سید حسین نصر



خبرگزاری مهر- سید حسین نصر معتقد است اخلاق ناصری همانگونه که از نامش پیدا است بیشتر با اخلاق سروکار دارد. اما در دیدگاه اسلامی، اخلاق و سیاست از هم جدا نیستند لذا بعضی از تعالیم خواجه در اخلاق ناصری بدون شک جنبه سیاسی دارد.

خبرگزاری مهر- حسین نصر معتقد است اخلاق ناصری همانگونه که از نامش پیدا است بیشتر با اخلاق سروکار دارد. اما در دیدگاه اسلامی، اخلاق و سیاست از هم جدا نیستند لذا بعضی از تعالیم خواجه در اخلاق ناصری بدون شک جنبه سیاسی دارد. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب اخلاق ناصری را به دلیل در خواست ناصرالدین محتشم قلعه قهستان تألیف کرد. ناصرالدین از خواجه نصیر خواست که کتاب الطهاره ابن مسکویه که به زبان عربی بود به فارسی ترجمه کند اما خواجه توضیح داد که ممکن است در ترجمه خدشه ای به زیبایی اثر وارد شود و علاوه بر این کتاب الطهاره فقط یک قسمت از اخلاق را در بر می گیرد و اگر اجازه بدهید دو قسمت دیگر را اضافه کرده و کتاب جدیدی تألیف شود، ناصرالدین نیز با روی باز پذیرفت.

خواجه این کتاب را در سه قسمت نوشت و نام آنرا به نام ناصرالدین اخلاق ناصری گذاشت.

اخلاق ناصری در باب اخلاق فردی، تدبیر منزل (رفتار در محیط خانه و اداره زندگی) و سیاست مدن (به تعبیر امروزی علوم سیاسی) نگاشته شده است. باب اول آن، خلاصه ای از رساله عربی تهذیب الاخلاق یا الطهارة اثر ابن مسکویه است.

به جز مقدمه، این کتاب شامل سه فصل است:

فصل اول: این فصل در مورد حکمت اخلاقی نوشته شده و شامل هفت فصل بر مبادی و ده فصل در مقاصد است.

فصل دوم: در مورد تدبیر منزل بوده و شامل پنج فصل است. نصیرالدین آن را از رساله مختصر تدبیر منزل نوشته نویسنده گمنام، به نام آبروسن یونانی گرفته و خود آن را به آداب متقدمان و متاخران موشح کرده است.

فصل سوم: شامل هشت فصل است که نصیرالدین در نوشتن آن از کتاب های فصول المذنی و آراء اهل المدینه الفاضله فارابی و السیاسة ابن سینا استفاده کرده است. در نهایت این فصل با قسمتی از وصایای منسوب به افلاطون تمام می شود.

سید حسین نصر معتقد است که خواجه در اخلاق ناصری به نوعی درس سیاست می دهد، لذا عده ای معتقدند که می توان برای او نوعی فلسفه سیاسی هم در نظر گرفت البته نه مثل آثار فارابی یا شرح ابن رشد بر جمهور افلاطون.

اخلاق ناصری همانگونه که از نامش پیدا است بیشتر با اخلاق سروکار دارد. اما در دیدگاه اسلامی، اخلاق و سیاست از هم جدا نیستند لذا بعضی از تعالیم خواجه در اخلاق ناصری بدون شک جنبه سیاسی دارد.

به اعتقاد وی اصولاً این نوع متفکران حال چه سنی و چه شیعه آثاری را تالیف کردند که با اخلاق سروکار دارد اما اخلاقی که باید جنبه کاربردی برای مردان سیاست هم داشته باشد نه اینکه فقط به درد مردم کوی و برزن و طلبه و دانشجو بخورد.

خواجه در اخلاق ناصری چندان به اخلاق ارسطویی توجه ندارد و در حقیقت با نگارش کتاب اوصاف الاشراف اخلاق را در عرفان پیدا می کند و این حتی به خود ابن مسکویه هم باز می گردد.

ما از یک جهت شاهد ظهور اخلاق فلسفی در تفکر اسلامی هستیم، یعنی این نوع برداشت از اخلاق و تعریف ردائل و فضایل بعد از مطالعه آثار اخلاقی ارسطو در عالم اسلامی و در میان فلاسفه بزرگ اسلامی به وجود آمد یا به عبارتی همه تحت تاثیر آن بودند. به همین دلیل است که ما از این اخلاق به اخلاق فلسفی تعبیر می کنیم زیرا این فیلسوفان بودند که در این باره گفتند و نوشتند.